

موردپژوهی، راهی که باید ادامه داد

یکی از اهداف نشریه نامه سیاست علم، فناوری و صنعت پژوهش در اطراف مسائلی است که گریبانگیر نهادهای علمی و صنعتی است. از اینرو نشر مطالعات موردپژوهی از سیاست‌های نشریه است و مقالاتی که به مطالعه موردی می‌پردازند امتیاز بیشتری برای نشر دارند. این مساله مبتنی بر نگاه معرفت‌شناسی خاصی است که در چند سرمقاله توضیح داده شد. (ر.ک سر مقاله ششم و هفتم) این نگاه معرفت‌شناختی بر این مبنا قرار دارد که مسائل علمی در جامعه ما از مسائل اجتماعی فاصله دارند و باید کوشش کرد فعالیت‌های علمی را به تحلیل و تبیین مسائل مبتلابه جامعه نزدیک‌تر کرد. مطالعات موردی یکی از راهبردهایی است که می‌تواند به تحقق این امر کمک کند.

البته مطالعه موردی وسیع‌تر از مسائل ملی است و مطالعات تجارب سایر کشورها را نیز در برمی‌گیرد. این مطالعات از اینرو اهمیت دارند که تجربه اندوخته شده‌ای را به صورت روشنی در اختیار ما قرار می‌دهند. تجربه یا تجاربی که مورد استفاده و پند و عبرت حوزه‌های سیاست‌گذاری و به طور کلی مخاطبان خود می‌شوند.

شماره هشتم نشریه حاوی مقالاتی است که این سیاست نشریه را به خوبی نشان می‌دهد. چهار مقاله منتشر شده در این شماره از گروه مطالعات موردپژوهی است. این مقالات عبارتند از:

- همکاری علمی ایران و کشورهای در حال توسعه و راهکارهایی برای ارتقا آن
- بررسی سطوح بلوغ و توسعه یافتگی نوآوری و همکاری دولت با خوشه‌های صنعتی (مورد کاوری خوشه کاشی استان یزد)

■ نگاشت خط مشی‌گذاری علم و فناوری در کشور، مطالعه موردی شورای علوم، تحقیقات و فناوری

■ ارائه الگوی بهبود کیفیت خدمات پژوهشی در دانشگاه یزد

علاوه بر این، مقاله ترجمه شده نیز نظام‌های بخشی نوآوری در شش بخش مهم صنعتی را در اروپا بررسی می‌کند و به نحوی در شمار این گروه قرار می‌گیرد.

در مرتبه نخست از کسانی که به چنین مطالعاتی همت می‌کنند خصوصاً دانشجویان باید تشکر نمود. زیرا این دسته از محققین سختی جمع‌آوری اطلاعات از کارخانجات صنعتی یا ادارات دولتی را به سادگی و سهولت مطالعات کتابخانه‌ای ترجیح می‌دهند و در این راه کوشش می‌کنند. علاوه بر این نوشتن درباره مسائل اداری یا صنعتی به نزدیک شدن به موضوع و شناخت ادبیات آن نیاز دارد. به عنوان مثال برای آن که درباره شورای علوم و تحقیقات و فناوری وزرات علوم بنویسیم لازم است درباره این شورا، فعالیت‌های آن و مسائلی کلی مربوطه تحقیق کنیم تا به زبان گفتگو درباره آن دست یابیم. روشن است که برای اساتید و محققین یا دانشجویان رشته‌های تکمیلی ساده‌تر است که در امتداد دروس نظری خود موضوع تحقیق انتخاب کنند و بدون زحمت خاصی به نوشتن در همان مسیر اقدام نمایند.

برای آن که مطالعات مورد پژوهشی هدف مورد نظر را تأمین کند حاوی بحث عمیقی درباره موضوع مورد مطالعه باید باشد. بحث عمیق شامل گزارش تاریخی دقیق از مساله و سیر تکوین و تکون آن است. از سوی دیگر مطالعه موردی باید

حاوی نتیجه روشن و پاسخی به مساله مورد مطالعه باشد. پاسخی که نوری در اطراف مساله بیافکند و مبین موضوع مورد بحث باشد. چنین پاسخی از طرح کلی و بیان کلیات بدیهی باید فاصله بگیرد و بخشی از مساله را توضیح دهد که مخاطبان از مطالعه آن به فهم عمیق تری برسند. فهمی که به آنها در شناخت موضوع و حل مساله کمک کند.

این کار نیازمند نزدیک شدن به مساله و بررسی ابعاد مختلف آن در مرحله اول و در مرحله دوم بررسی انتقادی نظرات و راهکارها است. بحث انتقادی یکی از خصوصیات مقالات علمی است که استفاده از آن در تبیین مسائل موردی به شفافیت بخشی به آن کمک می کند. اصولاً آموزش علمی عبارت است از آموزش فن نقد و بررسی به متعلم و قدرت انتقادی بخشیدن به او.

ادبیات نظری مطالعه موردی بیش از آن که به ادبیات تئوری علمی معطوف شود ناظر به تاریخ مساله و مسائل آن باید باشد و در شرایط مطلوب، تئوری‌ها به صورت زمینه‌ای نامرئی در خدمت تبیین مساله به خدمت باید گرفته شوند. تئوری‌ها و مطالعات نظری باید ابزار تحلیلی در اختیار نویسنده قرار دهند که به وسیله آن موضوع را بکاود نه این که خود موضوع بحث واقع شوند.

بررسی مقالات آمده نشان می دهد بخش عمده مقالات، مصروف بحث درباره ادبیات یعنی تئوری مساله و توضیح آن و متدولوژی می شود که برای حل مساله از آن استفاده شده است. در این میان بحث درباره موضع و تاریخچه آن سهم کمتری دارد و بحث انتقادی و طرح رای و نقد آن در مطالعات موردپژوهی مورد نظر جدی قرار نمی گیرد. در حالی که مباحث انتقادی درباره آرا مطرح در مساله مهمترین رکن علمیت بخشی به مطالعه و فایده مند کردن آن است. در مرحله نتیجه گیری هم برخی نتایج چنان کلی است که به نظر نمی رسد فایده ای مهمی برای مخاطب داشته شد. به عنوان مثال در پایان مقاله "همکاری علمی ایران و کشورهای در حال توسعه و راهکارهایی برای ارتقا آن" موارد زیر پیشنهاد شده است.

■ برنامه ریزی برای شناخت و از میان برداشتن موانع و مشکلات همکاری های آزاد علمی افراد (بویژه اعضای هیات علمی دانشگاه ها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی) و برنامه ریزی برای ایجاد و گسترش فرهنگ مشارکت و همکاری در جامعه علمی برای متخصصین کشور

■ بها دادن مسئولان و سیاست گذاران علمی کشور به فعالیت های مشارکتی علمی و تخصیص بودجه و امکانات مناسب برای فعالیت های علمی بخصوص در سطح بین الملل

■ گسترش روابط میان دانشگاه های ایران و دانشگاه های کشورهای در حال توسعه و ایجاد زمینه های همکاری مشترک - که موجب کسب توانمندی برای پژوهشگران خواهد شد.

کلیت و بداهت این پیشنهادات باعث می شود که نتیجه چندان برای مخاطب نداشته باشد. در حالی که اگر پیشنهادات جزئی تری مطرح می شد راهگشاتر می توانست باشد. چنان که ذیل همین بندها تسهیل مسافرت اعضای هیات علمی پیشنهاد شده است. اگر بحث درباره این پیشنهادات هم بسط داده می شد چه بسا به نتایج قابل توجه تری راه می برد.

همین مساله را به نحوی در مقاله "نگاشت خط مشی گذاری علم و فناوری" می توان سراغ داد. در این مقاله نتیج گرفته شده مشروعیت بخشی به عنوان یکی از ارکان فرایند خط مشی گذاری در شورای عالی عتف مغفول مانده است. منظور از مشروعیت بخشی اعمال فشارهای قانونی برای اجرای تصمیمات سیاستی، تصویب و یا منطقی ساختن اجرای خط مشی و همچنین جلب حمایت گروه های ذینفع در مورد اجرای خط مشی. "است.

سخن این است که شورا سیاست گذاری می کند اما این سیاست ها در عمل مورد توجه قرار نمی گیرد. این مساله نیاز به توضیح و تفسیر بیشتری دارد. هر چند رسیدن به همین مساله هم اهمیت خاصی دارد و گواه مشکل ساختاری عمیق در شورای مذکور است.

به نظر ما در هر یک از این مقالات به چرایی شکل گیری مساله یا چرایی پیشنهادات ارائه شده به صورت عمیق تری می توانست پرداخت شود و موضوع مورد بحث انتقادی و تاریخی بیشتری قرار گیرد. مباحثی که با فرورفتن در ساخت سازمان و نحوه شکل گیری مساله تصویر عمیق تری از آن نزد مخاطب ترسیم کند.

البته هر یک از این مقالات حاوی اطلاعات و محتوای قابل توجهی هستند که آنها را برای درج در این شماره نشریه مناسب کرده اند. مقاله "همکاری علمی ایران..." بحث قابل توجهی درباره رابطه علمی دانشمندان کشور ما با مراکز علمی

جهانی دارد و مقاله دوم حاوی بحث متدیک خوبی درباره سیاست‌گذاری علمی در یکی از مراکز مهم سیاست‌گذاری کشور است و نتیجه قابل توجه و تعمقی دارد.

به هر صورت باید کوشش کرد مقالات مورد پژوهانه را بسط داد و عمق بخشید. این کار نیازمند توجه خاص اساتید راهنمای دانشجویان و مراکز پژوهشی خصوصاً مراکز پژوهشی وابسته به نهادهای اجرایی به این دسته مطالعات است. در این راه هر چه مطالعات معطوف به موضوعات جزئی‌تری تعریف شوند و هر چه انتظار از مطالعه به صورت روشن‌تری تعریف شود و هر چه در مساله بیشتر غور شود مطالعه مفیدتری حاصل می‌شود.

البته قصد ما از این مقاله توضیح درباره متدولوژی چنین مطالعاتی نیست اما این نکته را باید متذکر شویم که غور در مسائل سازمان تاریخ شکل‌گیری مسائل و نقد و بررسی موضوعات باید توسعه یابد. این کار نیازمند توجه خاص اساتید و پرورش قدرت انتقادی و تفکر معطوف به بررسی پیشینه موضوع در میان محققین، در کنار توجه به استفاده از مدل‌ها و روش‌های سیستماتیک رایج است.

دبیر علمی نشریه

